



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیکتر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

طرح سیاست‌های اجرایی

مواجهه با

شبکه‌های اطلاع رسانی بین‌المللی

پایمن ۱۳۷۶

گروه پژوهشی - کارشناسی فرهنگی

فهرست

□ مقدمه: ۱

ضرورت، موضوع و هدف طرح

۱- ضرورت طرح ۱

۲- موضوع طرح ۳

۳- هدف طرح ۳

□ دیدگاه اول: ۶

استفاده آزاد و مستقیم از شبکه‌های اطلاع رسانی

۱- طرح دیدگاه اول ۶

۱/۱- توضیح اجمالی دیدگاه ۶

۱/۲- علت طرح این دیدگاه با وجود کم بودن طرفداران این نظریه ۶

۱/۳- جنبه‌های مثبت استفاده از شبکه‌های اطلاع رسانی از نظر دیدگاه اول ۷

۱/۳/۱- جنبه‌های مثبت اقتصادی ۷

۱/۳/۲- جنبه‌های مثبت علمی و فرهنگی ۸

۱/۳/۳- جنبه‌های مثبت سیاسی ۹

۱/۴- جنبه‌های منفی استفاده از شبکه اطلاع رسانی از نظر دیدگاه اول ۹

۲- سیاست برخورد با شبکه‌های اطلاع رسانی بر اساس دیدگاه اول ۱۰

۳- نقد دیدگاه اول ۱۰

۳/۱- غلط بودن معنای آزادی و عدالت در دسترسی به اطلاعات ۱۰

۳/۲- موظف بودن حکومت اسلامی به سالم سازی شرایط سیاسی، فکری، ۱۰

اخلاقی و اقتصادی جامعه ۱۱

□ دیدگاه دوم:

۱۳

ضرورت حفظ حریم سیاسی، فرهنگی، اقتصادی کشور با حذف

اطلاعات مضر در عین بهره‌مندی از سایر اطلاعات

۱- طرح دیدگاه دوم ۱۳

۱/۱ - توضیح اجمالی دیدگاه دوم ۱۳

۱/۲ - تکرار جنبه‌های مثبت پذیرفته شده دیدگاه اول در دیدگاه دوم ۱۳

۱/۳ - جنبه‌های منفی استفاده از شبکه اطلاع رسانی از نظر دیدگاه دوم ۱۳

۲ - سیاست برخورد با شبکه‌های اطلاع رسانی بر اساس دیدگاه دوم ۱۴

۲/۱ - قرار دادن اطلاعات در اختیار عموم به وسیله شبکه داخلی اطلاعات ۱۴

۲/۲ - پرداخت تسهیلات از سوی دولت برای مقرون به صرفه بودن استفاده ۱۴

از شبکه داخلی اطلاعات ۱۵

۲/۳ - استمرار سیاست انسان سازی ۱۵

۳ - نقد دیدگاه دوم ۱۵

۳/۱ - منحصر نبودن جنبه‌های منفی شبکه‌های اطلاع رسانی به تصاویر مبتذل ۱۵

و عقاید انحرافی ۱۵

۳/۲ - مدیریت شدن توسط شبکه در صورت استفاده گزینشی از اطلاعات شبکه ۱۶

بدون در دست داشتن مدل گزینش ۱۶

۳/۲/۱ - طبقه‌بندی داشتن و گزینشی بودن اطلاعات موجود در شبکه ۱۷

۳/۲/۲ - امکان تصمیم‌سازی شبکه‌های اطلاع رسانی از طریق گزینش و ۱۷

بزرگ نمایی یا کوچک نمایی اطلاعات ۱۸

۳/۲/۳ - امکان تصمیم‌سازی شبکه‌های اطلاع رسانی با توجه ۱۸

به محدودیت مالی استفاده‌کننده ۱۹

۳/۲/۴ - امکان تصمیم‌سازی شبکه‌های اطلاع رسانی با توجه ۱۹

به محدودیت زمانی استفاده‌کننده ۲۰

۳/۲/۵ - ایجاد «پسند جدید» در جامعه به وسیله شبکه‌های اطلاع رسانی ۲۱

□ دیدگاه سوم : ۲۴

ضرورت حفظ حریم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در داخل و

گسترش فرهنگ اسلامی در خارج با «مشارکت در مدیریت شبکه‌های اطلاع‌رسانی»

۱- طرح دیدگاه سوم ۲۴

۱/۱ - توضیح اجمالی دیدگاه سوم ۲۴

۱/۲ - جنبه‌های منفی استفاده از شبکه اطلاع‌رسانی از نظر دیدگاه سوم ۲۴

۱/۲/۱ - از بین رفتن مصونیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ملتها ۲۵

۱/۲/۲ - ترویج فرهنگ مادی حاکم بر مدل تنظیم و پردازش اطلاعات ۲۵

۱/۳ - جنبه‌های مثبت استفاده از شبکه‌های اطلاع‌رسانی از نظر دیدگاه سوم ۲۷

۱/۳/۱ - امکان صدور فرهنگ اسلام و انقلاب ۲۷

۱/۳/۲ - امکان استفاده تجزیه‌ای از اطلاعات شبکه ۲۸

۲ - سیاست برخورد با شبکه‌های اطلاع‌رسانی بر اساس دیدگاه سوم ۲۸

۲/۱ - افشاگری بر علیه شبکه‌های اطلاع‌رسانی و تقویت اطلاعات داخلی ۲۸

«سیاست کوتاه مدت» پیشنهادی ۲۸

۲/۲ - به بهره‌برداری رساندن مدل تنظیم و پردازش داخلی اطلاعات و توسعه دادن آن ۲۸

در سطح کشورهای اسلامی «سیاست میان مدت» پیشنهادی ۳۰

۲/۳ - مشارکت جدی در مدیریت تولید و توزیع اطلاعات ۳۰

در سطح بین‌المللی «سیاست بلند مدت» پیشنهادی ۳۱

مقدمه

ضرورت

موضوع

هدف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از گسترش دسترسی به منابع فساد فکری، اخلاقی و سیاسی
از این طریق (شبکه‌های اطلاع رسانی) نگران هستیم.
بی نوشت مقام معظم رهبری

در دستور العمل به ریاست محترم جمهور

۱- ضرورت طرح

مسئله اطلاع رسانی و شبکه‌های اطلاعاتی یکی از موضوعات مهم فرهنگی است که تمامی کشورها در سطح جهان ناگزیرند نسبت به این موضوع فرهنگی، موضع‌گیری و سیاست‌های خاصی اتخاذ کنند. آنچه که باعث اهمیت این مسئله در شرایط کنونی نظام اسلامی می‌باشد و مجموعه نظام و مسئولین رده اول کشوری را و می‌دارد که نسبت به این مسأله تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست کنند (حتی قبل از اینکه این مسئله عمومیت پیدا کند و زمینه نشر آن در جامعه فراهم شود) سرعت روز افزون شبکه‌های اطلاع رسانی و اصولاً وسایل ارتباطی در عصر حاضر می‌باشد که طبعاً با توجه به آثار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی این پدیده بر کلیه جوامع به خصوص جامعه ما، ضرورت دارد قبل از اتخاذ هرگونه سیاستی تمام جوانب این پدیده شناخته شود.

پدیده اطلاع رسانی و شبکه‌های اطلاع رسانی خصوصاً شبکه اینترنت (که گسترده‌ترین شبکه اطلاع رسانی است) پدیده‌ای پیچیده و مرکب از فرصتها و تهدیدها است. به دیگر سخن تیغی دو لبه است که از یک طرف استفاده بی‌مهابا از آن امنیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورها را تهدید می‌کند و از طرف دیگر به لحاظ تسهیل در سرعت ارتباط با سایر ملتها و اقصی نقاط دنیا فرصت خوبی برای

گسترش پیام اسلام و نظام اسلامی در سراسر عالم می‌باشد.

همچنین غیر از رساندن پیام، آنچه برای هر نظام و کشوری ضرورت دارد، اطلاع داشتن نسبت به آخرین اطلاعات موجود در هر زمینه از اقصی نقاط جهان می‌باشد، تا بتواند بهترین و سریع‌ترین بهره‌برداری را از آن به عمل آورد.

البته نسبت به میزان استفاده از این شبکه‌های اطلاعاتی و کیفیت ارسال پیامها توسط این شبکه‌ها، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد ولی آنچه که فی الجمله با توجه به خصوصیت ذکر شده مورد اتفاق همه دیدگاهها می‌باشد این است که هیچ مملکتی از جمله مملکت ما نمی‌تواند نسبت به این پدیده بسی تفاوت برخورد کند و بلکه باید نسبت به آن سیاستی مشخص اتخاذ کند، مخصوصاً با توجه به پیشرفتی که برای تکنیک اطلاع رسانی با ماهواره‌ای شدن ارسال اطلاعات، در آینده پیش‌بینی می‌شود. این پدیده در آینده نه چندان دور خواسته یا ناخواسته در کلیه ممالک اجازه حضور پیدا می‌کند، حتی اگر خواست دولت مردان و خواست عمومی مردم جامعه بر علیه آن باشد. با توجه به سرعت پیشرفت و تشدید فعالیت‌های شبکه‌های اطلاع رسانی، علاوه بر مبادلات اطلاعات به تدریج قراردادهای اقتصادی و مبادلات مالی نیز از طریق شبکه با سرعت بیشتری قابل انجام است.

اگر در گذشته برای مبادلات فرهنگی سمینارها و کنفرانسهای پرخرج همراه با تعداد افراد محدود برگزار می‌شد، با آمدن شبکه‌های اطلاعاتی، کنفرانسهای با وسعتی جهانی و افرادی نامحدود با هزینه کم برگزار می‌شود. حتی پیش‌بینی می‌شود در آینده با گسترش شبکه‌های اطلاع رسانی اقبال چندانی به مراکز صدا و سیما صورت نگیرد چرا که از طرفی این شبکه‌ها حاوی انواع متنوع برنامه در سطح اقشار مختلف با فرهنگها و سلیقه‌های مختلف می‌باشد و از طرف دیگر بیننده و ارتباط گیرنده، خود تعیین کننده برنامه می‌باشد نه اینکه مرکزی به صورت مشخص تصمیم‌گیرنده نسبت به پخش برنامه باشد. بنابراین در آینده دامنه نفوذ شبکه‌های اطلاع رسانی بیش از آنچه الان هست گسترش پیدا می‌کند. در

کنار کارآیی‌های فوق‌آنچه نظام ما را به موضوعگیری نسبت به شبکه‌ها و می‌دارد کارآیی این شبکه‌ها در تهاجم فرهنگی به ملتها و شکستن مرزهای فرهنگی می‌باشد (که دامنه این تهاجم را در متن طرح به استحضار خواهیم رساند).

مجموعه این عوامل ما را بر آن می‌دارد که نسبت به این پدیده بی تفاوت نباشیم و نسبت به آن سیاستی خاص اتخاذ کنیم.

۲- موضوع طرح

طبعاً با توضیحی که در مورد ضرورت تحلیل این پدیده بیان شد موضوع طرح هم تا حدودی واضح شد. موضوع طرح نحوه اتخاذ سیاست نسبت به شبکه‌های اطلاع‌رسانی می‌باشد. سؤال اساسی این است که نظام ما نسبت به این پدیده عصر که روز به روز هم در حال گسترش است چگونه برخوردی باید داشته باشد؟

در خصوص توصیف و تحلیل جوانب موضوع، در متن طرح به تفصیل مطالبی بیان خواهیم داشت. طبیعتاً توصیف واحدی نسبت به این موضوع وجود ندارد و نخواهد داشت ولی در عین حال برای اتخاذ هرگونه سیاست، توصیف موضوع از اهمیت بسیار بالا و ویژه‌ای برخوردار است و چنانچه خواهیم دید متناسب با هرگونه توصیف از این پدیده سیاستی خاص نسبت به آن اتخاذ خواهد شد.

۳- هدف طرح

هدف طرح، مانع شدن از نشر فساد فرهنگی، سیاسی، اخلاقی و اقتصادی در عین بهره‌گیری از این امکان ارتباطی در جهت نشر فرهنگ اسلام و انقلاب است. یعنی آنچه رهبر معظم انقلاب در پی نوشت دستور العمل به ریاست محترم جمهور نسبت به این مسئله مرقوم فرمودند: «از گسترش دسترسی به منابع فساد فکری، اخلاقی و سیاسی از این طریق نگران هستیم».

بنابراین هدف از ارائه این طرح با توجه به رهنمود مقام معظم رهبری^۱ «پیشنهاد سیاستهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت می باشد که از طرفی مانع گسترش فرهنگ مادی از این طریق شویم و از طرف دیگر برای پیشبرد مقاصد عالیة نظام و گسترش فرهنگ اسلامی به اقصی نقاط جهان از این امکان ارتباطی بهره وافر برده باشیم.

در این طرح پیرامون توصیف این پدیده و ارائه سیاستهای برخورد با این موضوع سه دیدگاه مطرح و سپس دیدگاه اول و دوم نقد خواهد شد. در نهایت بر اساس دیدگاه سوم - که از نظر ما دیدگاهی عمیق تر و قوی تر می باشد - سیاستهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت برای برخورد با این پدیده پیشنهاد و ارائه خواهد گردید. در طرح و بررسی دیدگاهها تأکید بر این نکته لازم است که هر کارشناسی یا مجموعه کارشناسی که بخواهد نسبت به این پدیده سیاست مشخصی ارائه دهد ضرورتاً باید ابتدا توصیفی جامع از این پدیده داشته باشد چرا که ارائه هر گونه سیاستی قبل از توصیف صحیح و همه جانبه از پدیده، سیاستی غیر واقعی و عجولانه خواهد بود که هیچ ضمانت اجرایی در عمل نخواهد داشت. بنابراین توجه کارشناسان گرامی و خوانندگان محترم این طرح و سایر طرحهای در این رابطه را به این نکته جلب می کنیم که قبل از پرداختن به بررسی سیاستهای پیرامون این موضوع، باید به تحلیل جامع تر و قوی تری نسبت به اصل پدیده دست پیدا کنند و طبعاً آن سیاستی از قوت و واقع نمایی بیشتری برخوردار است که بر اساس تحلیل عمیق تر و کامل تری از خود پدیده استوار باشد.

دقیقاً به همین دلیل برای آنکه توصیف جامعی نسب به این پدیده انجام شده باشد، به جای آنکه تنها به توصیف مورد قبول خود از پدیده پردازیم ابتداً دو دیدگاه دیگر نسبت به این موضوع را مقدم داشتیم تا در یک روند طبیعی جوانب بحث بهتر تبیین گردد.

۱ - خصوصاً با توجه به اینکه طراحی و مدیریت این شبکه ها از طریق دول استکباری برای گسترش فرهنگ مادی صورت می گیرد.

طرح و نقد

دیدگاه اول

در بررسی و مواجهه با

شبکه‌های اطلاع‌رسانی بین‌المللی

استفاده آزاد و مستقیم از شبکه‌های اطلاع‌رسانی

۱- طرح دیدگاه اول

۱/۱- توضیح اجمالی دیدگاه

دیدگاه اول معتقد است که جنبه‌های مثبت استفاده از شبکه‌های اطلاع‌رسانی نسبت به جنبه‌های منفی آن غلبه دارند و آن قدر جنبه‌های مثبت آنها مهم و گسترده می‌باشند که نباید به خاطر جنبه‌های منفی و محدودی که دارند محدودیت خاصی در استفاده از شبکه‌های اطلاع‌رسانی اعمال شود. به دیگر سخن به استفاده آزاد و عمومی از این شبکه‌ها توصیه می‌کنند.

۱/۲- علت طرح این دیدگاه با وجود کم بودن طرفداران این نظریه

در نظر ابتدائی ممکن است گفته شود که این دیدگاه گرایش غالب در کشور نبوده و به لحاظ بالا بودن حساسیت مذهبی و انزجار عمومی از نشر مفاسد اخلاقی و فکری، در جامعه از طرفداران زیادی برخوردار نیست؛ منتهی از چند جنبه طرح این دیدگاه به صورت مستقل حائز اهمیت است.

اولاً: این دیدگاه اگر چه در کشورها طرفداران زیادی ندارد و یا اگر هم دارد جرأت اظهار آن را ندارند ولی به هر حال عده‌ای روشنفکر غرب زده در باطن خود معتقد به این نظریه می‌باشند.

ثانیاً: ما برای اتخاذ سیاست نسبت به این پدیده نباید به آن تنها به عنوان یک پدیده داخلی و مشکل نظام اسلامی خود بنگریم بلکه این پدیده، پدیده‌ای است که عالم اسلام با آن روبرو است و می‌بایست تمامی کشورهای اسلامی نسبت به آن تصمیم و اتخاذ سیاستی داشته باشند. اگر از این منظر به مسئله نگاه کنیم آن وقت خواهیم یافت دیدگاه اول در مجموعه ممالک اسلامی طرفداران بسیار زیادی دارد و اگر ما بخواهیم یک سیاست نسبتاً مشترک، نسبت به این پدیده در عالم اسلام داشته باشیم باید این دیدگاه را به خوبی شناخته و نقاط مثبت و منفی آن را بررسی کنیم.

ثالثاً: اگر نخواهیم به این مسئله به عنوان یک پدیده بین‌المللی که کلیه کشورهای اسلامی را در مخاطره قرار می‌دهد نگاه بکنیم، ما باید توجه داشته باشیم که همواره از موضع این دیدگاه از جانب کشورهای غربی و خصوصاً آمریکا تحت فشار خواهیم بود.

آنها بر اساس ادراکی خاص از آزادی و دموکراسی دائماً نظام ما را مورد سؤال و تهاجم و بزعم خود مورد استیضاح بین‌المللی قرار می‌دهند و همواره نظام ما را بواسطهٔ تهمتهایی از قبیل سلب آزادی - حتی آزادی اطلاع رسانی - محکوم می‌کنند. خنثی شدن استفاده از این حربه توسط دشمن بررسی جدی این دیدگاه را ایجاب می‌کند؛ بدین معنا که با یک بررسی کارشناسانه و مستند فساد آن را اولاً: برای عموم مردم کشور خودمان و ثانیاً: برای مردم کشورهای اسلامی روشن کنیم. بعد از ذکر این نکات به طرح این دیدگاه می‌پردازیم.

۱/۳ - جنبه‌های مثبت استفاده از شبکه‌های اطلاع رسانی از نظر دیدگاه اول

مدعیان این دیدگاه، شبکه‌های اطلاع رسانی موجود را واجد جنبه‌های مثبت و جنبه‌های منفی می‌دانند که جنبه‌های مثبت آن را می‌توان در سه محور سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بیان داشت. البته این جنبه‌های مثبت عمده‌ترین جنبه‌های مثبتی است که در استفاده از این شبکه‌ها ذکر می‌شود و موارد دیگر آن هم از همین قبیل می‌باشد، لذا از ذکر آن موارد خودداری می‌نماییم.

۱/۳/۱ - جنبه‌های مثبت اقتصادی

نسبت به بهره‌وریهای اقتصادی مشخص است که یک تاجر اقتصادی با داشتن کلیهٔ اطلاعات اقتصادی توسط شبکه‌های اطلاعاتی چه در سطح خرد و چه در سطح کلان و بین‌المللی می‌تواند مبادلاتش را کم‌ و کیفیاً توسعه و گسترش دهد. او با داشتن نرخ ساعت به ساعت کلیهٔ اقلام تجاری در دنیا، و اطلاع نسبت به بازار مصرف کلیهٔ اقلام، مراکز تولید کلیهٔ محصولات و بالاتر از آن روند رو به رشد محصولات و تکنولوژی و فن‌آوری، می‌تواند

بِراحتی و با ضریب اطمینان بالایی تصمیماتی را اخذ کند. طبیعی است که در اختیارداشتن این اطلاعات برای حضور اقتصادی در صحنه بین‌المللی بسیار مؤثر می‌باشد.

اطلاعات در جهان امروز حرف اول را برای تصمیم‌گیری بهینه در موضوعات اقتصادی و غیر اقتصادی می‌زند و کسی که بتواند اطلاع بهتری در زمان کمتری کسب کند می‌تواند از فرصتهای اقتصادی استفاده بهتری بکند.

علاوه بر این می‌توان در بازاریابی، عقد قرارداد، مبادلات مالی و پولی، از شبکه بهره‌کافی برد.

۱/۳/۲ - جنبه‌های مثبت علمی و فرهنگی

در بخش علمی و فرهنگی آخرین دستاوردهای پژوهشی و علمی و آخرین مقالات و کتب ارائه شده در موضوعات تخصصی به سرعت روی شبکه قابل استفاده است، لذا هیچ‌امکانی برای یک محقق بهتر از مراجعه به شبکه نیست. شبکه او را از مراجعه وقت‌گیر و غیر آسان به منابع کتابخانه‌ای و مجلات، بی‌نیاز می‌کند و علاوه بر تسهیل در مراجعه، اطلاعات بروزی را در اختیار محقق قرار می‌دهد. ممکن است یک کتاب که در فلان کشور غربی منتشر می‌شود تا به ایران برسد ۴ سال (کمتر یا بیشتر) طول بکشد اما وقتی وسیله ارتباط، شبکه شد و مالا مؤلفین هم برای سرعت و کیفیت در نشر از آن شبکه استفاده کنند در این صورت در زمان اندکی می‌توان از تازه‌های نشر در سراسر عالم اطلاع پیدا کرد و از هزینه‌های زاید برای تحقیقات تکراری اجتناب نمود.

چه بسا کاری قبلاً نسبت به یک موضوع صورت گرفته و اگر بخواهد از صفر آغاز شود هزینه‌های زیادی دربرداشته باشد اما با مراجعه به شبکه اطلاع‌رسانی می‌توان از سابقه این بحث آگاه شده و اگر هم کاری بخواهد نسبت به آن صورت بگیرد در تکمیل آن باشد. علاوه بر این می‌توان برای آشنایی با فرهنگهای مختلف دنیا و ارسال معارف اسلامی از شبکه بهره گرفت.

۱/۳/۳ - جنبه‌های مثبت سیاسی

در جنبه سیاسی هم می‌توان نسبت به آخرین تحولات و تغییرات سیاسی در کشورها، تحولات در احزاب و مراکز قدرت سیاسی در سراسر جهان آخرین اطلاعات بروز را پیدا کرد. با داشتن این اطلاعات هم می‌توان متناسب با آخرین تحولات سیاسی در کشورها ارتباطات خارجی را تنظیم کرد و هم با ارائه آخرین اخبار در سطح بین‌المللی، حساسیت سیاسی مردم را توسعه داد.

۱/۴ - جنبه‌های منفی استفاده از شبکه اطلاع‌رسانی از نظر دیدگاه اول

این دیدگاه قبول دارد که در کنار این آثار مثبت چه بسا اطلاعات و تصاویر مفسده بر انگیزی برای کشور ارسال شود که طبیعتاً مفسده بر انگیز بودن یا نبودن اطلاعات و تصاویر ارسالی متناسب با فرهنگ کشورهای مختلف متفاوت می‌باشد. با صرف نظر از این تفاوت اگر ما از موضع نظام و فرهنگ دینی خودمان نگاه کنیم ممکن است یک تصاویر مستهجنی یا یک اطلاعات مخربی از طریق این شبکه به کشور ما ارسال شود، یا از طریق طراحی نرم افزارهای خاصی سرقت‌هایی اطلاعاتی صورت بگیرد و امنیت اطلاعاتی ما احیاناً تهدید شود^۱ اما این نقاط منفی نباید باعث تن دادن ما به سلب آزادی عمومی و بی‌عدالتی در توزیع اطلاعات شود. اگر کشوری فقط به اطلاعات خاصی اجازه توزیع دهد و یا تنها به اشخاص خاصی اجازه دسترسی به شبکه‌های اطلاعاتی را بدهد این امر بی‌عدالتی و سلب آزادی است و با حریت انسانها و ملتها منافات دارد و نشان دهنده ضعف فرهنگی آن کشور می‌باشد. اگر فرهنگی نتواند در مقابل این امواج از خودش موضع‌گیری مناسبی ارائه دهد و مقاومت نماید یقیناً فرهنگی ضعیف خواهد بود که می‌بایست در بالنده کردن آن فرهنگ تلاشهایی صورت بگیرد و نه اینکه به حریت و آزادی انسانها لطمه‌ای جبران ناپذیر وارد شود.

۱ - دول استکباری با طراحی نرم افزارهای خاصی بعضاً این توانائی را دارند که وقتی یک مشتری به شبکه وصل می‌شود و می‌خواهد در یک موضوعی اطلاع کسب کند، وارد شبکه مشتری شوند و با چرخش در اطلاعات او، کلیه اطلاعات موجود در آن شبکه را بررسی کنند و به مقدار احتیاج، از اطلاعات آن در پیشبرد اهداف خود استفاده کنند. طبیعی است که این مسئله مشکلاتی امنیتی برای ملتهای دیگر ایجاد می‌کند و چه بسا بانک مرکزی یک کشور به شبکه وصل باشد و بدون اینکه خودش متوجه باشد اطلاعات محرمانه مالی آن کشور سرقت شود و منشاء آن شود که دول استکباری توان ایجاد تشنج در آن کشور را پیدا کنند.

۲ - سیاست برخورد با شبکه‌های اطلاع‌رسانی بر اساس دیدگاه اول

سیاست محوری که بر اساس این دیدگاه می‌توان اتخاذ کرد این می‌باشد که تسهیلات لازم برای استفاده عموم از شبکه اطلاع‌رسانی توسط دولت فراهم شود. به بیان دیگر دولت موظف است که با ایجاد شرایط مناسب، زمینه‌های ارتباطی و مخابراتی لازم را برای ارتباط مردم با شبکه تأمین کند و توزیع عادلانه اطلاعات را منشا تصمیم‌گیری خود در این امر مهم قرار دهد. برای کنترل جنبه‌های منفی شبکه هم باید کاری فرهنگی در جامعه صورت بگیرد. فرهنگ باید بستر پرورش انسانهایی باشد که در مواجهه با فرهنگ بیگانه احساس کمبود نکنند. باید شرایط ارضاء مردان، زنان، جوانان، کودکان و اقشار مختلف جامعه بگونه‌ای فراهم شود که یک جوان هیچگاه برای مشاهده یک صحنه فیلم مهیج رغبتی از خود نشان ندهد.

۳ - نقد دیدگاه اول

۳/۱ - غلط بودن معنای آزادی و عدالت در دسترسی به اطلاعات

باطل بودن این دیدگاه مخصوصاً در کشور اسلامی ما بر همه درد آشنایان به مسائل کشور روشن می‌باشد و ما در اینجا تنها به اشاره اجمالی در این رابطه می‌پردازیم.

در فرهنگ ما این معنای آزادی و عدالت - که در این دیدگاه بر آن پافشاری می‌شود - معنای پذیرفته شده‌ای نیست و این معنای آزادی و عدالت حتی در کشورهایی که مدعی آزادی و عدالت به معنای غربی آن می‌باشند رعایت نمی‌شود. آنها هیچگاه به مردم خودشان اجازه استفاده از هر نوع اطلاعات را نمی‌دهند و جز این هم نمی‌تواند باشد؛ اگر دولت، کشور و امتی بخواهد جهت دار و هدف مند حرکت کند - اعم از این که جهت او الهی یا مادی باشد - مجبور است از طرفی شرایطی مناسب برای تحقق اهداف خود ایجاد کند و از طرف دیگر در مقابل هر جریانی که بخواهد او را از مسیر منحرف کند قاطعانه ایستادگی کند.

همانگونه که غرب نشر فرهنگ اسلام را در کشورهای غربی به عنوان یک خطر احساس می‌کند و به شکلهای مختلف و با وارد کردن اتهامات واهی سعی در ارائه یک تصویر مشوش از فرهنگ اسلام می‌نماید، ما هم نیز در مقابل و به طور طبیعی این حق را داریم که برای حفظ صیانت سیاسی و فرهنگی خودمان از نشر آنچه که این صیانت را مورد مخاطره قرار می‌دهد جلوگیری کنیم.

۳/۲ - موظف بودن حکومت اسلامی به سالم سازی شرایط سیاسی، فکری، اخلاقی و اقتصادی جامعه

حکومت علاوه بر سایر وظایفی که دارد وظیفه سالم سازی شرایط فکری، اخلاقی و سیاسی جامعه را نیز دارد و نمی‌تواند نسبت به عوامل و موضوعاتی که سلامت جامعه را به مخاطره می‌اندازد، بی تفاوت باشد؛ آنهم به بهانه واهی اینکه آزادی و عدالت خدشه دار می‌شود.

از عوامل مهم برای سالم سازی محیط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایجاد مانع برای ورود اطلاعاتی است که این سلامت را به مخاطره می‌اندازد. همانگونه که هیچ طبیعی ورود هر میکروبی را به بدن تجویز نمی‌کند (به بهانه اینکه بدن خودش باید قدرت مقابله با میکروب داشته باشد) نسبت به پیکره جامعه هم این مطلب به نحو آكد و روشن تر صدق می‌کند. اگر حکومت و صاحبان آن اجازه وارد شدن این گونه اطلاعات مفسده برانگیز را بدهند - به این گمان که با رشد فرهنگی مردم می‌توان آنها را نسبت به آثار این اطلاعات بیمه کرد - به پنداری سست مبتلا شده‌اند زیرا همانگونه که بدن در مقابل میکروب توانش محدود است و حتی در مقابل میکروبهای خاصی نمی‌تواند مقاومت کند جامعه هم همچنین است و اگر مظاهر فساد از ظرفیت آن جامعه بالاتر باشد طبیعتاً باید منتظر رسوخ آن بیماری و پیامدهای منفی آن در نسل فعلی و نسلهای آتی بود.

طرح و نقد

دیدگاه دوم

در بررسی و مواجهه با

شبکه‌های اطلاع‌رسانی بین‌المللی

ضرورت حفظ حریم سیاسی، فرهنگی، اقتصادی کشور با حذف اطلاعات مضر در عین بهره‌مندی از سایر اطلاعات

۱- طرح دیدگاه دوم

۱/۱ - توضیح اجمالی دیدگاه دوم

دیدگاه دوم بر این اساس استوار است که ما در ضمن استفاده از شبکه‌های اطلاع‌رسانی می‌بایست بشدت در مقابل تبعات منفی این پدیده ایستادگی کنیم.

این دیدگاه بر خلاف دیدگاه اول معتقد است که جنبه‌های منفی پدیده اطلاع‌رسانی بیش از جنبه‌های مثبت آن می‌باشد و به همین دلیل اهمیت بیشتری برای دفع جنبه‌های منفی آن می‌دهد؛ هر چند برای استفاده از اطلاعات و تصاویری که مفسده بر انگیزه بودن آن روشن و صریح نیست یا اصولاً مفسده‌ای بر آن مترتب نیست تاکید می‌ورزد.^(۱)

۱/۲ - تکرار جنبه‌های مثبت پذیرفته شده دیدگاه اول در دیدگاه دوم

جنبه‌های مثبتی که برای این پدیده در دیدگاه دوم مطرح می‌باشد همان جنبه‌های مثبتی است که در دیدگاه اول بیان شد.

۱/۳ - جنبه‌های منفی استفاده از شبکه اطلاع‌رسانی از نظر دیدگاه دوم

این دیدگاه در برشمردن جنبه‌های منفی این پدیده نگاه واقع‌گرایانه‌تری نسبت به دیدگاه اول دارد. صاحبان این دیدگاه عمده‌ترین نقطه ضعف و تأثیرپذیری منفی را در جنبه فرهنگی می‌دانند و می‌گویند: ما با بازگذاشتن ارتباط با شبکه در واقع اجازه داده‌ایم که دشمن در خانه ما باشد. اجازه داده‌ایم که هرگونه فساد اخلاقی، به اشکال متنوع هنری متناسب با اقشار مختلف جامعه، در اختیار عموم مردم

۱ - البته نقد این دیدگاه به معنای نادیده گرفتن جنبه‌های مثبت و نفی مطلق استفاده از شبکه‌های اطلاع‌رسانی نمی‌باشد، بلکه تنها روش استفاده از این شبکه‌ها را در دیدگاه اول، روشی ناصواب و بدور از واقعیات جهانی می‌دانیم.

جامعه قرار بگیرد. طبیعی است ارسال حجم بسیار زیاد فیلم‌ها و تصاویر مستهجن و انواع کارهای هنری متنوع در این راستا جامعه را دچار لطمه جدی می‌کند.

البته این دیدگاه علاوه بر مفاسد اخلاقی، مفاسدی فکری را هم در استفاده مطلق از این شبکه‌ها مد نظر دارد.

درست است که آخرین دستاوردهای علمی در خصوص موضوعات توسط این شبکه‌ها ارائه می‌شود اما همه این اطلاعات اطلاعاتی نیست که از نظر اعتقادات ما و مذهب ما پذیرفته شده باشد. چه بسا اطلاعاتی را ترویج کنند که با عقاید ما منافات داشته باشند و از نظر ما آن اطلاعات، کتب و مقالات ضالّه محسوب شوند. گاه‌ا‌گاه نشر اطلاعاتی می‌تواند جامعه و جوانان ما را آنچنان دچار شبهاتی اعتقادی کنند که احیاناً برای آن شبهات پاسخی آماده وجود نداشته باشد.

در جنبه سیاسی هم دول استکباری می‌توانند با مخابره اطلاعات دسته‌بندی و گزینش شده، ملت‌ها را در مبارزه با استکبار از طریق بزرگ‌نشان دادن قدرت خودشان ناامید کنند. می‌توانند امنیت اقتصادی و سیاسی کشورها را از این طریق (دسترسی به شبکه‌های اطلاع‌رسانی) به مخاطره بیاندازند و این جنبه‌های منفی، تبعاتی نیست که بشود بسادگی از آن گذر کرد.

۲ - سیاست برخورد با شبکه‌های اطلاع‌رسانی بر اساس دیدگاه دوم

۲/۱ - قرار دادن اطلاعات در اختیار عموم به وسیله شبکه داخلی اطلاعات

سیاست اساسی‌ای که مبتنی بر این دیدگاه^۱ برای برخورد با شبکه‌های اطلاع‌رسانی اتخاذ می‌شود این می‌باشد که ما می‌بایست به عنوان مشتری، متناسب با نیازهای خود و در حد ضرورت از اطلاعات داخل شبکه گزینش کنیم.

بر اساس این سیاست، دولت موظف است که تمهیداتی برای عدم ورود تصاویر مستهجن، فیلم‌ها، عکسها و یا هر چیزی مشابه اینها که مظاهر اخلاق فساد را در جامعه ترویج می‌کنند فراهم کند. باید از

۱ - این دیدگاه و ملاحظه این سیاست دیدگاه غالب در میان اندیشمندان و تصمیم‌گیرندگان کشور ما می‌باشد.

ورود اطلاعات غربی که اعتقادات عمومی مردم را مورد تهاجم قرار می‌دهد و موجب نشر خرافات می‌شود جلوگیری کند. به دیگر سخن در مسیر این شبکه‌ها فیلترهای قرار دهد که مانع ورود این مفاسد اجتماعی شود. برای اجرایی شدن این سیاست پیشنهاد می‌دهند که باید مراکزی در کشور پیش بینی شود که با یک سیاست و خط مشی واحد به تصفیه مطالب شبکه‌های اطلاع‌رسانی بپردازند. خلاصه اینکه یک شبکه اطلاع‌رسانی داخلی شکل بگیرد که آن شبکه داخلی حاوی اطلاعات تصحیح شده متناسب با طبقات مختلف جامعه باشد.

۲/۲ - پرداخت تسهیلات از سوی دولت برای مقرون به صرفه بودن استفاده از شبکه داخلی اطلاعات لزوماً باید تسهیلات و سوبسیدهایی از سوی حکومت پرداخت شود که مراجعه به این شبکه داخلی برای مردم بسیار مقرون به صرفه‌تر نسبت به استفاده مستقیم از شبکه اطلاع‌رسانی باشد و این هزینه‌ای است که باید کشور بپردازد تا بتواند حریم مرزهای فرهنگی خودش را حفظ کند.

۲/۳ - استمرار سیاست انسان‌سازی

البته در کنار این تمهیدات می‌بایست سیاست‌هایی (همانند سیاست‌های دیدگاه دوم) به منظور اعتلای فرهنگ دینی نسبت به اقشار مختلف مردم اتخاذ شود تا به طور طبیعی گرایش به سمت اطلاعات مخرب و تصاویر مفسده برانگیز از بین برود.

۳ - نقد دیدگاه دوم

۳/۱ - منحصر نبودن جنبه‌های منفی شبکه‌های اطلاع‌رسانی به تصاویر مبتذل و عقاید انحرافی

نکته اصلی در نقد دیدگاه دوم این است که جنبه‌های منفی شبکه‌های اطلاع‌رسانی صرفاً در تصاویر مستهجن، عقاید انحرافی و مفاسد اخلاقی صریح و غریبان منحصر نمی‌شود. به تعبیر بهتر نقطه ضعف این دیدگاه در این نکته خلاصه می‌شود که مظاهر منفی و مفاسد شبکه‌های اطلاع‌رسانی را به نمودهای

روشن و صریح آن منحصر می‌کند.

شبکه‌های اطلاع‌رسانی، ابزار مشارکت در صحنه «تصمیم‌سازی» و «تصمیم‌گیری» ملل است بدین معنا که القاء اطلاعات خاص، از طریق ارائه یا عدم ارائه آنها همراه با بزرگ و کوچک نمائی اطلاعات، عجین با منطقی است که در تنظیم و دسته‌بندی اطلاعات صورت می‌گیرد که می‌تواند زمینه تصمیم‌سازی خاصی را برای ملتها فراهم کند و از این طریق از کرسی فرهنگ مادی در تصمیم‌گیری ملل، حضور پیدا کند. حال اگر در جمع‌بندی نهائی به این نتایج دست یافتیم آنگاه خواهیم دید سیطره فرهنگ مادی از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی تنها منحصر به نمایش مظاهر روشن فساد در آن نخواهد بود. اینک برای تبیین این نکته که شبکه‌های اطلاع‌رسانی چگونه نفوذ خود را در میان دول و ملل مستحکم می‌کنند ضروری است دیدگاهی که احتمال دوم بر آن استوار است مورد دقت و نقد قرار گیرد.

۳/۲ - مدیریت شدن توسط شبکه در صورت استفاده گزینشی از اطلاعات شبکه بدون در دست داشتن

مدل گزینشی

دیدگاه دوم بر این تفکر استوار است که ما قادریم با گزینش اطلاعات ارائه شده در شبکه، خود را از مظاهر فساد آن حفظ کنیم، به این معنا که وارد شدن در شبکه به معنای اینکه لزوماً از همه اطلاعات استفاده کنیم و همه آنها را در معرض انظار عمومی قرار دهیم نیست. اصولاً می‌توان از شیوه‌ها و تکنیکهائی بعنوان یک فیلتر اطلاع‌رسانی، برای عرضه برخی از اطلاعات و ممانعت از برخی دیگر بهره جست. بنابراین ما صرفاً بعنوان مشتری می‌توانیم انتخاب کنیم که چه اطلاعاتی را استفاده کنیم.

این آزادی عمل که در بدو امر برای مشتری (که می‌تواند فرد، سازمان یا جامعه باشد) در برخورد با شبکه اطلاع‌رسانی تصور می‌شود این خوش‌بینی را در طرفداران طرح این نظریه ایجاد کرده است که استفاده از شبکه‌های اطلاع‌رسانی لزوماً به معنای سیطره فرهنگ مادی بر کشورها و تحمیل نظرات خود در تصمیم‌گیریهای اساسی یا حداقل، مشارکت در این امر نیست بلکه این ما هستیم که متناسب با نیازمندیهایمان، از اطلاعاتی خاص استفاده می‌کنیم و خود را از مضرات برخی دیگر حفظ می‌کنیم. این

برداشت، نقطه اصلی اتکاء چنین دیدگاهی است اما با توجه به عواملی که در ادامه توضیح می‌دهیم مشخص می‌شود که این نگاه یک نگاه کارشناسانه نیست.

۳/۲/۱ - طبقه‌بندی داشتن و گزینشی بودن اطلاعات موجود در شبکه

برای آنکه به ماهیت واقعی شبکه‌های اطلاع‌رسانی پی ببریم توجه عزیزان را به این نکته جلب می‌کنیم که اولاً: این شبکه‌ها از یک سلسله اطلاعات موازی و دسته‌بندی شده تشکیل شده‌اند، یعنی ماهیتاً از یک سری دسته‌بندی‌های عرضی و طولی برخوردارند. به بیان دیگر تمامی اطلاعات در فایل‌های موازی قرار نداشته و از دسته‌بندی و طبقه‌بندی خاصی پیروی می‌کنند بگونه‌ای که بعضی اطلاعات به موازات برخی، و بعضی اطلاعات دیگر در طول برخی دیگر قرار دارند.

ثانیاً: اطلاعات در همه کشورها - خصوصاً کشورهای استعماری - طبقه‌بندی شده است، لذا اینگونه نیست که آنها هر اطلاعی را مستقیماً روی شبکه بیاورند مگر آنکه این نوع اطلاعات خاص، در ظرف زمان، ارزش خود را از دست دهند و بعنوان «اطلاعات سوخته» در آیند. طبعاً مادامی که خود از این اطلاعات کلیدی استفاده نکرده‌اند اجازه استفاده دیگران را از آن نمی‌دهند. البته چنین نیست که تمامی اطلاعات شبکه، دست دوم و کهنه باشد اما چون تمامی اطلاعات، دارای طبقه‌بندی است لذا برخی را بروز عرضه می‌کنند و برخی دیگر را که نقش حیاتی در تصمیم‌گیری‌های آنها در ابعاد «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» دارد براحتی وارد شبکه نمی‌کنند مگر وقتی که بهره‌برداری لازم از آنها صورت گرفته باشد. پس باید این شناخت ابتدائی را نسبت به شبکه داشته باشیم که اولاً: هر اطلاعی روی شبکه نمی‌رود و ثانیاً: نسبت به اطلاعاتی که به شبکه منتقل می‌شود بزرگ و کوچک نمائی خاصی صورت می‌گیرد. ممکن است یک مشتری شبکه، در بدو امر تنها به لایه رویین اطلاعات دست یابد ولی برای دستیابی به لایه‌های زیرین آن باید هزینه بیشتری را متقبل شود تا بتواند با مراجعه به «بانک اطلاعات» به آنها دست یابد.

ارائه تصویر اجمالی از بانک اطلاعات و شبکه‌های اطلاع‌رسانی، مقدمه خوبی برای روشن شدن

ضعف این دیدگاه است که معتقد بود ما بعنوان مشتری، آزادی عمل داریم و خود انتخاب می‌کنیم که چه چیزی را برگزینیم و از آن استفاده کنیم. حال آنکه با مطالبی که بیان خواهد شد می‌توان به این نتیجه ملموس رسید که اصولاً این مشتریان شبکه هستند که تحت مدیریت طراحان شبکه قرار دارند و نمی‌توانند یک انتخاب مؤثر و تعیین کننده را نسبت به اطلاعات داشته باشند. از اینرو ضروری می‌دانیم که در این مقال، به ذکر سه نکته دیگر در این خصوص بپردازیم.

۳/۲/۲- امکان تصمیم‌سازی شبکه‌های اطلاع‌رسانی از طریق گزینش و بزرگ‌نمایی یا کوچک‌نمایی اطلاعات برخورد گزینشی طراحان شبکه در ارائه یا عدم ارائه اطلاعات کلیدی و تعیین زمان ارائه آنها و نیز بزرگ و کوچک‌نمایی اطلاعات، باعث می‌شود که مشتریان عملاً به بعضی مسائل توجه نکنند و به برخی حساسیت ویژه‌ای نشان دهند. از اینرو آنها از این طریق به کنترل نیازمندیهای مشتریان خود پرداخته و مدیریت فکری و اقتصادی آنها را در دست می‌گیرند. در اینجا مناسب است مروری بر شیوه عملکرد «شبکه‌های خبررسانی» موجود جهانی داشته باشیم تا با مقایسه آنها با شبکه‌های اطلاع‌رسانی بتوانیم شناخت کاملتری نسبت به این امر پیدا کنیم.

طرح این سؤال ضروری است که شبکه‌های پخش خبر در جهان چگونه می‌توانند بوسیله اخبار، حوادث اجتماعی را ایجاد، کنترل و هدایت نمایند؟ مسلماً چنین نیست که شبکه‌های خبری وابسته به صهیونیسم از اول تا آخر دروغ بگویند. حتی ممکن است در یک برخورد ابتدائی و ساده‌اندیشانه بنظر رسد که اینها اخبار را سریعتر، صریحتر و سالمتر عرضه می‌کنند و کمترین سانسور خبری را بر آن اعمال می‌کنند. اما آنها دقیقاً بر اساس یک مشی استعماری عمل می‌کنند و از پخش یک سری اخبار ممانعت می‌کنند؛ به برخی کم بها می‌دهند؛ بعضی را در صدر قرار می‌دهند و برخی را ماهرانه با اخبار دروغ مخلوط می‌نمایند. قطعاً این شیوه خبررسانی باعث می‌شود در نقاط عطف یک جامعه، آحاد آن جامعه تحت تأثیر قرار بگیرند و مثلاً در عرصه جنگ نظامی با دشمن خارجی، مغلوب جنود یأس شوند و یا در عرصه سازندگی، به عدم خوددوری و بریدن رشته‌های وابستگی مبتلا شوند. نمونه این برخورد را به

کرات در سالهای انقلاب و پس از آن، از شبکه‌های خبررسانی مشاهده کرده‌ایم. بیان این واقعیت بدین خاطر است که چه بسا دیدگاهی که در شبکه‌های اطلاع‌رسانی آنگونه (که در دیدگاه دوم آمد) اظهار نظر می‌کند، نسبت به شبکه‌های خبری نیز همین اعتقاد را داشته باشد و چنین بگوید که وقتی ما به یک روزنامه و مجله یا یک رادیوی بیگانه مراجعه می‌کنیم چون کسی ما را مجبور به پذیرفتن تمامی آنها نمی‌کند لذا می‌توان برخی را پذیرفت و بعضی دیگر را نپذیرفت، به بعضی اخبار ترتیب اثر داد و به برخی دیگر بی‌توجه بود، در حالی که مشخص شد چنین نیست. متأسفانه هنرنمایی شیطنانی شبکه‌های اطلاع‌رسانی، در حوزه‌ای گسترده‌تر از شبکه‌های خبری به جد دنبال می‌شود. چه اینکه در یکی صرفاً اخبار پخش می‌شود اما در دیگری علاوه بر پخش خبر، اطلاعات علمی، فیلم و تصویر و در یک کلام، انواع اطلاعات و تصاویری که در موضوعات مختلف قابل تصور ممکن است مورد نیاز یک فرد در جامعه قرارگیرد ارائه می‌گردد.

لذا این مسئله کمال اهمیت را دارد که توجه کنیم شبکه‌های اطلاعاتی از طریق دسته‌بندی و گزینشی که در ارائه اطلاعات خود صورت می‌دهند، اذهان و گرایشهای عمومی را به سمت خاصی هدایت می‌کنند. مثلاً یک تاجر با مراجعه به شبکه به طور طبیعی احساس می‌کند که اگر فلان جنس را از آمریکا بخرد برای او مقرون به صرفه بوده و در بازاریابی آن موفقتر خواهد بود چون معامله با این کشور ضریب اطمینان تجارت را افزایش می‌دهد! مسلماً کسی او را به چنین معامله‌ای مجبور نکرده است ولی او بطور طبیعی با اطلاعاتی که در اختیارش قرار می‌گیرد به این نتیجه می‌رسد که معامله با این شرکت برای او بهره‌مندی اقتصادی بیشتری را در بر دارد.

۳/۲/۳ - امکان تصمیم‌سازی شبکه‌های اطلاع‌رسانی با توجه به محدودیت مالی استفاده‌کننده

طبعاً بسیاری از مشتریان در مراجعه به شبکه اطلاع‌رسانی با محدودیت مالی روبرو هستند چون ورود به هر سطح از اطلاعات در این شبکه، هزینه‌ای را دنبال دارد و مشتری باید بابت دریافت آن اطلاع، وجهی را پرداخت کند. حال اگر مشتری در هزینه کردن برای کسب اطلاعات محدودیت داشته باشد قطعاً نمی‌تواند تمامی سرمایه خود را صرف چنین امری کند و عملاً برای او محدودیت

ناخواسته‌ای در کسب اطلاعات پیدا می‌شود. به تعبیر بهتر کمتر مشتری‌ای را می‌توان یافت که تمامی اطلاعات و جوانب مختلف یک موضوع را از طریق شبکه در اختیار خود گرفته و با اشراف بر کلیه اطلاعات لازم به مقصود برسد.

۳/۲/۴- امکان تصمیم‌سازی شبکه‌های اطلاع‌رسانی با توجه به محدودیت زمانی استفاده‌کننده

طبعاً بسیاری از مشتریان، محدودیت زمانی هم دارند و نمی‌توانند ماهها بلکه هفته‌ها صبر کنند تا مثلاً به یک تجارت مبادرت کنند و یا به یک اطلاع‌حیاتی در زمینه مورد نظر دست یابند لذا مسجوبور می‌باشند در فرصت زمانی محدودی تصمیم‌گیری کنند. تاجری را در نظر می‌گیریم که مثلاً می‌خواهد به تجارت ساعت پرداخت کند. اطلاعاتی را باید از شبکه کسب کند تا بتواند بگوید هر یک از کارخانه‌های ساعت‌سازی چه نوع ساعتی را تولید می‌کنند و بازار هر کدام چگونه است و در چه کشورهایی خرید و فروش آن مقرون به صرفه است و... مسلماً برای تصمیم‌گیری دقیق‌تر نیازمند دسترسی به اطلاعات جدیدتری می‌باشد. مثلاً چه بسا او با اطلاعات موجود اقدام به خرید حجم عظیمی از ساعت «وستندواج» از شرکت مربوطه نماید غافل از آنکه این شرکت در حال ساخت مدل جدیدی از ساعت است که هنوز اطلاعات مربوط به آن بر روی شبکه منتقل نشده است و تا روزهای آینده، دیگر بازار مدل قدیمی ساعت به رکود می‌گراید.

پس دامنه‌ی اخذ اطلاعات مرتباً عمیق‌تر می‌شود و محدودیت‌های مالی و زمانی عملاً مانع می‌شوند که مشتریان بتوانند جمیع اطلاعات مورد نظر خود را جمع‌آوری کنند. طبعاً وقتی نتوانستند چنین کنند مقهور اطلاعاتی می‌شوند که ابتدائاً به آنها داده شده است. البته بیان این محدودیتها صرف‌نظر از نکته‌ی اول است که اصولاً کل موجودی اطلاعات شبکه را زیر سؤال می‌برد و سوءظن نسبت به عملکرد شبکه را مضاعف می‌سازد. لذا بر فرض که بپذیریم این شبکه‌های اطلاع‌رسانی شبکه‌های سالم و صادقی هستند باید بر این واقعیت تلخ واقف باشیم که به علت محدودیت مالی و زمانی در استفاده از شبکه عملاً مدیریت فکری ما در تصمیم‌گیری بوسیله‌ی اطلاعاتی هدایت می‌شود که یا به ما ارائه می‌گردد و یا از ما دریغ می‌شود. این امر باعث می‌شود مشتری‌ای که ابتدائاً آزاد بنظر می‌رسید تبعیت از اطلاعات داده

شده و مدل تنظیمی آن اطلاعات را بپذیرد.

حال ممکن است اشکال شود هرچند محدودیت اطلاعات در سطحی از شبکه وجود دارد ولی وجود این امر باعث ناهنجاری فکری، ارزشی و اخلاقی در جامعه نمی‌شود. یعنی هرچند که بپذیریم اخبار صادق و کاذب در یک قالب خاص ارائه می‌شوند اما اینگونه نیست که حساسیت مردم تغییر پیدا کند. اما این اشکال نیز وارد نیست چون سردمداران اصلی شبکه‌ها از طریق سانسورهای که اعمال می‌کنند و از شیوه بزرگ و کوچک نمائی، عملاً قدرت مخاطب خود را ضعف و ضعف او را قدرت نشان می‌دهند! این امر باعث می‌شود وی در نوع موضعی که می‌خواهد در مقابل آنها اتخاذ کند متأثر شود. طبیعی است که موضعگیری انسان در حالتی که خویش را در موضع ضعف یا قدرت ببیند علی‌السویه نیست؟ مثلاً اگر در نبرد با عراق، مردم ما خود را در همان اوان دفاع مقدس، ضعیف احساس می‌کردند آیا غیر از این بود که به حفظ آنچه از وطنشان باقی مانده بود رضایت می‌دادند و عملاً تجاوز دشمن و دستاوردهای او را به رسمیت می‌شناختند؟ اما اگر احساس قدرت می‌کردند - که واقعیت نیز چنین بود - آنگاه هم به تجاوز دشمن پاسخ می‌دادند و هم سیاست سرنگونی او را از اریکه قدرت دنبال می‌کردند.

۳/۲/۵ - ایجاد «پسند جدید» در جامعه به وسیله شبکه‌های اطلاع رسانی

در صحنه شبکه‌های خبری، این نوع تأثیرگذاری‌ها تا این حد می‌تواند وجود داشته باشد و در صحنه شبکه‌های اطلاع رسانی هم همین اتفاق اما در سطحی گسترده‌تر بوقوع می‌پیوندد. مثلاً برای جامعه‌ای که در معرض این اطلاعات می‌باشد کالاهائی خوشایند جلوه می‌کند و نیاز به آنها را در خود احساس می‌کند. طبعاً وقتی چنین احساسی بوجود آمد حاضر می‌شود برای آن سرمایه‌گذاری کند و سرمایه‌کشور را برای ورود آن کالا یا تکنولوژی مربوط به آن هزینه نماید، اما نتیجه چنین سرمایه‌گذاری چیست؟ تأثیر اقتصادی آن انحلال بخشی از توان یک کشور به نفع الگوی تولید این محصول و بزرگ‌تر شدن شبکه تولید آن می‌باشد. این امر رشد سرمایه‌داری بین‌المللی و تقویت و سرمایه‌داران جهانی را به دنبال دارد. طبیعی است این امر تأثیرات فرهنگی و سیاسی دیگری را هم دنبال خواهد داشت که شرح آن را باید در مباحث دیگر پی گرفت.

مجدداً بر این نکته تأکید می‌ورزیم که مقهور شدن مشتریان شبکه نسبت به همینه اطلاعات، باعث انفعال در مقابل جریان سهمگین اطلاعاتی می‌شود که امروزه مرزهای جغرافیایی کشورها را درنوردیده است و آنها را بعنوان یکی از شهروندان یک جامعه واحد - یا به تعبیر برخی از نظریه پردازان غربی، دهکده جهانی - در می‌آورد که اگر بپذیرند صرفاً مشتری و مصرف کننده باشند آنگاه باید بپذیرند که تنها در یک منطقه از یک کشور پهناور دارای آزادی عمل صوری هستند. لذا برخورد انتزاعی و غیر روشمند با نظام اطلاعاتی شبکه‌ها منجر به تبعیت ناخواسته از ضوابط نوشته یا نانووشته قلمروئی می‌شود که مرزهای آنها امواج شبکه‌های اطلاع رسانی تعیین می‌کنند.

به دیگر بیان، چنین برخوردی با نظام اطلاعاتی اغیار، پذیرش تحرک محدود و هدایت شده‌ای در خانه دشمن است که صرفاً یک بهره‌مندی زودگذر و کاذب، حاصل از آزادی عمل در چنین قلمروئی را نصیب اصحاب آن می‌کند غافل از آنکه این آزادی نیز جز واقعیتی تلخ نیست که بر آن پوسته‌ای شیرین نهاده‌اند. لذا پذیرش مصرف‌کنندگی صرف لازمه پذیرش سیطره چنین شرائطی است که وصف آن به اختصار گذشت.

البته توضیح بیشتر در رابطه با اینکه از شبکه‌های اطلاعاتی چه استفاده‌ای را مشتری، چه استفاده‌ای را شرکتها و چه استفاده‌ای را فرهنگ حاکم بر نرم‌افزارها می‌برد، در ابتدای دیدگاه سوم بیان خواهد شد. بنابراین در بررسی دو دیدگاه اول روشن شد که ما نفی هرگونه استفاده و بهره‌وری از شبکه‌های اطلاعاتی بین‌المللی را نمی‌نمائیم بلکه در شیوه استفاده و سیاست برخورد با شبکه‌ها با این دو دیدگاه اختلاف نظر داریم، در دیدگاه اول مشتری بودن نفی شد، مشتری‌ای که حتی لازم نمی‌داند یک فیلتر جدی برای گزینش اطلاعات درست کند و در دیدگاه دوم مشتری خاص بودن نفی شد، یعنی اینکه ما بیائیم گزینش کنیم و اطلاعات ناهنجار را حذف کنیم و از بقیه اطلاعات استفاده کنیم. به عبارت بهتر در اینکه «اطلاعاتی که ناهنجاری اجتماعی ایجاد می‌کند چیست؟» پاسخ این دو مورد نقد واقع شد هرچند هر سه دیدگاه بر نفی اطلاعات مفسده برانگیز و حرمت‌شکن تأکید می‌نمایند.

طرح و نقد

دیدگاه سوم

در بررسی و مواجهه با

شبکه‌های اطلاع‌رسانی بین‌المللی

ضرورت حفظ حریم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در داخل و گسترش فرهنگ اسلامی در خارج با «مشارکت در مدیریت شبکه‌های اطلاع‌رسانی»

۱- طرح دیدگاه سوم

۱/۱ - توضیح اجمالی دیدگاه سوم

دیدگاه سوم همانند دو دیدگاه قبل استفاده از شبکه‌های اطلاعاتی را امری لامحاله می‌داند ولی حفظ حریم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نظام را در داخل و خارج از کشور همواره مد نظر دارد و بالاتر از این بروز این پدیده جهانی را با تمام جنبه‌های منفی آن مغتنم شمرده و آن را پلی برای رسیدن به اهداف عالی نظام اسلامی می‌داند، بدین معنا که با استفاده از این پدیده می‌توان فرهنگ اسلامی را به تمام جهانیان عرضه کرد.

تحلیل بیشتر این دیدگاه در ترسیم جنبه‌های منفی و مثبت این پدیده بر اساس این دیدگاه خواهد آمد.

۱/۲ - جنبه‌های منفی استفاده از شبکه اطلاع‌رسانی از نظر دیدگاه سوم

طبیعتاً جنبه‌های منفی را که تاکنون در دیدگاه اول و دوم ذکر کردیم مورد تأیید این دیدگاه هم می‌باشد و علاوه بر آن بر آنچه از نظر این دیدگاه مهمترین جنبه منفی استفاده از شبکه‌های موجود است تأکید می‌ورزیم (هرچند در نقد دیدگاه دوم نیز بدان اشاره داشتیم).

۱/۲/۱ - از بین رفتن مصونیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی ملتها

مهمترین جنبه منفی استفاده از شبکه‌های اطلاعاتی از بین رفتن مصونیت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ملتها است. البته تحقق این واقعه تلخ در صورتی است که استفاده‌کنندگان صرفاً به استفاده گزینشی از شبکه‌های اطلاع‌رسانی بسنده کنند و نتوانند الگوی گزینش و پردازشی متناسب با فرهنگ خود، در استفاده از شبکه‌های اطلاع‌رسانی تأسیس کنند. توضیح اجمالی این پی‌آمد مهم در نقد دیدگاه دوم آمد که از ذکر مجدد آن اجتناب می‌نمائیم.

۱/۲/۲ - ترویج فرهنگ مادی حاکم بر مدل تنظیم و پردازش اطلاعات

با رونق استفاده از شبکه‌های اطلاع‌رسانی سه مجموعه بهره‌مند می‌گردند:

۱ - مشتریان

۲ - شرکتهای اطلاع‌رسانی

۳ - فرهنگ حاکم بر نرم افزارهای اطلاعاتی

در بدو امر بنظر می‌رسد بیشترین استفاده را شخص مراجعه‌کننده به شبکه می‌برد و شبکه در واقع مرکز خدمات رسانی است که با هزینه کمتر و سرعت بیشتر نیازمندیهای مشتری را بر طرف می‌کند اما به اعتقاد ما بهره مشتری از شبکه کمترین بهره می‌باشد و بهره بیشتر را خود شبکه‌های اطلاع‌رسانی و شرکتهای دست‌اندرکار آن می‌برند. این شبکه‌ها هم برای وارد کردن اطلاعات در شبکه هزینه‌های کلان دریافت می‌کنند و هم برای استفاده اطلاعات از مشتری هزینه‌ای دریافت می‌کنند و این گردش کار باعث می‌شود که صاحبان این شبکه‌ها درآمد اقتصادی بالائی را داشته باشند.

در نگاهی عمیق‌تر روشن می‌شود که با توسعه روزافزون شرکت‌های اطلاع‌رسانی حتی سرمایه‌گذاران این شرکتهای نیز بهره‌اصولی را نمی‌برند، بلکه تنها فرهنگ حاکم بر نرم‌افزارهای شبکه‌های اطلاع‌رسانی است که بهترین سود و بهره‌مندی را می‌برند. در جهان امروز فرهنگ مادی توانسته حساسیت‌ها، باورها، اعتقادات و نحوه عملکردها و تصمیم‌گیریهای خودش را در اسرع وقت از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی به همه کشورهای صادر کند و به زعم خود حرکت جهشی به سمت نظم نوین جهانی در یک دهکده جهانی

با مدیریت واحد داشته باشد.

البته طبیعی است که ظاهر قضیه اینگونه نشان داده نشود چرا که اگر به این امر تصریح شود و ملتها احساس کنند که ناخواسته فرهنگشان تحت تاثیر فرهنگ بیگانه واقع می شود لزوماً در مقابل آن موضعگیری می کنند. لذا طبیعی است که با هنرمندی شیطانی این وجه مسئله را کاملاً مخفی کنند و تنها نوع اول بهره‌وری (بهره‌وری مشتری) را پررنگ جلوه دهند و خودشان را تنها بعنوان بانک اطلاعاتی معرفی کنند که کارهایی خدماتی انجام می دهند و حتی منتهی هم بر سر ملتها دارند به اینکه وسیله ارتباطی گسترده‌ای را فراهم کرده‌اند تا هرکسی بتواند حرف خودش را در اسرع وقت به اقصی نقاط عالم برساند. طبیعی است که تنها این بهره‌وری را گوشزد کنند ولی اینکه استفاده از شبکه‌های موجود چه پیامدهایی دارد و چگونه توسط آنها استقلال و صیانت فرهنگ‌ها مورد هجوم قرار می‌گیرد؟ - در پشت تسهیلاتی که به مشتری می‌دهند - کاملاً مخفی و پنهان نگه می‌دارند.

بنابراین مجدداً تأکید می‌کنیم که استفاده از شبکه اطلاع‌رسانی در حد یک مشتری ولو مشتری آزاد، یعنی مشتری‌ای که اجازه‌گزینش به خودش می‌دهد اولاً: باعث وابستگی در روند پژوهشها و تصمیم‌گیری‌ها می‌شود و ثانیاً: باعث می‌شود که بکارگیری اطلاعات در جهتی شکل بگیرد که استکبار می‌خواهد چرا که نظام در شرایط فعلی برای گزینش اطلاعات مدل تعریف شده‌ای ندارد که از هرگونه اطلاعاتی تعریفی الهی متناسب با فرهنگ اسلامی ارائه دهد و این امر باعث می‌شود تا نتوانیم از اطلاعات گزینش شده در دستگاه فکری خودمان متناسب با نیازمندیهای الهی جامعه تعریفی جدید ارائه دهیم و چون بکارگیری اطلاعات نمی‌تواند بی‌هدف و جهت باشد اگر خود ما قدرت تعریف این هدف و محاسبه اطلاعات متناسب با آن را نداشته باشیم، طراحان شبکه ما را به جمع‌بندی که خود در نظر دارند خواهند رساند، هرچند ما به حسب ظاهر فکر کنیم که با آزادی عمل رفتار می‌نمائیم. براین اساس این دیدگاه جنبه‌های منفی استفاده از شبکه‌های اطلاع‌رسانی را بسیار عمیق‌تر از دیدگاه اول می‌داند.

در این دیدگاه گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی پیچیده‌ترین نوع دخالت در حاکمیت ملتها و

سرنوشت آنها می باشد که کمترین هزینه را برای دول استکباری به همراه دارد. آنها توسط این شبکه ها با راحت ترین و پیچیده ترین شکل، حاکمیت خودشان را بر کشورها اعمال می کنند، آنهم به شکلی که کشورها احساس کنند که خودشان فرمان بردار خودشان هستند، در حالیکه بصورت ناخواسته آنها هستند که عملاً اجرای سیاست ها و خط مشیهای طراحان شبکه های اطلاع رسانی می باشند.

طبیعی است که چنین تلقی ای از شبکه های اطلاع رسانی ما را در استفاده از آنها محتاطتر می کند و در عین حال این توجه را به ما می دهد که در نقطه مقابل اگر ما هم بتوانیم با چنین شرائطی وارد شبکه شویم از همین امکانی که نظام استکباری برای گسترش سیطره خودش فراهم کرده می توانیم بر علیه خود او استفاده کنیم. به دیگر سخن می توانیم سیطره فرهنگی خودمان را بر جهان از طریق همین شبکه ها توسعه و رونق دهیم و این مطلبی است که در اخذ سیاستهای مربوط به این پدیده بیان خواهد شد.

۱/۳ - جنبه های مثبت استفاده از شبکه های اطلاع رسانی از نظر دیدگاه سوم

۱/۳/۱ - امکان صدور فرهنگ اسلام و انقلاب

در صورتی که بتوانیم در مدیریت شبکه های اطلاع رسانی حضور پیدا کنیم، می توانیم به میزانی که مشارکت در مدیریت آنها پیدا می کنیم فرهنگ الهی و انقلاب خودمان را به جهانیان القاء کنیم، دقیقاً همان کاری که دول استکباری در راه اعتلای فرهنگ مادی خود انجام می دهند. به تعبیر دیگر ما هم در نقطه مقابل با دول استکباری می توانیم بر اساس مدل الهی و منطق الهی خودمان طراحی نوینی برای «طبقه بندی و پردازش اطلاعات»، تعریف و جایگاه جدیدی برای اطلاعات ارائه دهیم که نتیجه آن سیطره فرهنگ اسلام در سراسر عالم خواهد بود. این نقطه مثبتی است که در ارائه سیاستها نیز همین نقطه مثبت را دنبال خواهیم کرد و دنبال دست یابی به چنین مقصدی خواهیم بود.

۱/۳/۲ - امکان استفاده تجزیه‌ای از اطلاعات شبکه

علاوه بر رساندن پیام اسلام و انقلاب، اطلاعات فعلی و آینده موجود در شبکه نیز حتماً مورد استفاده خواهد بود، منتهی این استفاده پس از جداسازی اطلاعات از نظامی که شبکه به آن داده است و ترجمه آن در مدل شبکه اسلامی اطلاعات، صورت خواهد گرفت و پس از این ترجمه است که در معرض استفاده عموم قرار می‌گیرد.

۲ - سیاست برخورد با شبکه‌های اطلاع رسانی بر اساس دیدگاه سوم

سیاست‌هایی که بر اساس دیدگاه سوم پیشنهاد می‌کنیم، در سه سطح «سیاست کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت» می‌باشد. البته قبل از بیان سیاست‌ها تأکید می‌کنیم که اصل مهم در تنظیم سیاست‌های برخورد با شبکه‌های اطلاع‌رسانی حضور در مدیریت «توزیع اطلاعات در گام نخست و تولید اطلاعات در گام بعدی» می‌باشد.

منتهی این مدیریت از مقیاس کوچک در کوتاه مدت آغاز و در میان مدت گسترش و در بلند مدت توسعه نهائی خود را خواهد یافت. به تعبیر دیگر ابتدا در سطح ملی، سپس در سطح کشورهای اسلامی (فراملی) و در آخر در سطح بین‌المللی و جهانی این مدیریت را اعمال می‌کنیم.

۲/۱ - افشاگری بر علیه شبکه‌های اطلاع رسانی و تقویت اطلاعات داخلی «سیاست کوتاه مدت» پیشنهادی

اما در سیاست‌های کوتاه مدت، دو سیاست اصولی را به موازات هم پیشنهاد می‌کنیم. اولین سیاست پیشنهادی ما افشاگری بر علیه شبکه‌های اطلاع رسانی می‌باشد، یعنی روشن کردن ابعاد همین تحلیلی که نسبت به آثار استفاده از این شبکه‌ها مطرح شد. ما در قدم اول باید برای ملتها روشن کنیم که چگونه دول استکباری از طریق شبکه‌های اطلاع رسانی حضور در تصمیم‌گیری ملتها پیدا می‌کنند؟ چگونه صیانت و مرز فرهنگی ملتها مورد تاخت و تاز قرار می‌گیرد، آنهم بشکل پیچیده‌ای که خودشان هم متوجه نمی‌باشند؟ این مطلب اگر در سطح دنیا بشکل مستند و گسترده ارائه شود بعلت

حساسیت فرهنگهای مختلف نسبت به فرهنگ خودی دقیقاً مورد توجه فرهنگها قرار خواهد گرفت و منشاء عکس العمل نسبت به فرهنگ استکباری خصوصاً آمریکایی می شود. البته این سیاست هرچند «کوتاه مدت» اعمال شود ولی دامنه افشاگری آن در کوتاه مدت به انتهای نخواهد رسید و ما باید این افشاگریها را از داخل شروع کنیم و در سراسر عالم گسترش دهیم. وقتی چنین افشاگری هایی رخ دهد طبیعی است که مردم ما در برخورد با شبکه ها با حساسیت زیادی برخورد کنند و بدون اینکه ما بخواهیم کنترل فیزیکی داشته باشیم خودشان از رجوع مستقیم به شبکه های بین الملل پرهیز می کنند. همین امر در سطح کشورهای اسلامی هم قابل انتظار می باشد، وقتی ملت های مسلمان احساس کنند که از این طریق به اصل فرهنگ اسلامیشان لطمه های جبران ناپذیری وارد می شود، یقیناً در مقابل آن موضعگیری خواهند کرد.

در سطح بین المللی هم به شکل های متفاوت دیگری می توان با بیداری وجدان ملت ها آنان را در مقابل سیطره سردمداران زر و زور به موضعگیری های فعال کشاند.

به موازات این افشاءگریها می بایست در کوتاه مدت با تقویت بانک اطلاعات تا حدود زیادی نیازمندیهای به شبکه های اطلاعاتی را پاسخگو شد. البته نسبت به این امر در کشور اقداماتی از قبیل راه اندازی شبکه شارح انجام گرفته است اما باید این امر تقویت شود؛ بدین معنا که اولاً: عموم مردم امکان ارتباط با شبکه های بین المللی را نداشته باشند ثانیاً: اگر هم بعضی اشخاصی با وسایل خاص یا با استفاده از امکانات مراکزی ارتباط مستقیم با شبکه جهانی برقرار کنند برای آنها مقرون به صرفه نباشد. نظام ما باید تا آخر کار هزینه صیانت فرهنگی خود را پردازد و گسترش شبکه های اطلاع رسانی را یک تهاجم همه جانبه به فرهنگ خود بداند و نه تنها در دفع، بلکه برای تهاجم متقابل به دشمن از این طریق سرمایه گذاری نماید. امنیت فرهنگی بمراتب از امنیت نظامی مهمتر است، اگر نظام ما حاضر است برای امنیت نظامی هزینه های هنگفتی خرج کند تا حدی که دشمن از تهاجم نظامی به کشور هراسان باشد که یقیناً این امر در جای خود حتماً لازم است ولی حفاظت از مرزهای فرهنگی بمراتب از مرزهای جغرافیائی مهمتر است. اگر چنین است - که هست - باید ملت و دولت ما چه در کوتاه مدت و چه در

میان مدت و بلند مدت اولاً: اصل مبارزه و ثانیاً: هزینه آن را جدی بگیرند. بر این اساس در کوتاه مدت ما باید شبکه‌ای داخلی درست کنیم که این شبکه از شبکه‌های جهانی، اطلاعات خاصی را گزینش کند؛ درست همان سیاستی که دیدگه دوم در دراز مدت پیشنهاد می‌کرد. اگرچه با این سیاست درازمدت بعنوان سیاستی اساسی مخالف هستیم زیرا همان آثار سوئی را که در نقد دیدگاه دوم گفتیم بر آن مترتب است، اما بعنوان یک سیاست کوتاه مدت آن را می‌پذیریم و حتماً هم باید اعمال شود. به دیگر سخن قبل از ارائه مدل و روش تعریف موضوعات و جایگاه دادن اطلاعات و ارائه نرم‌افزارهای متناسب با آن می‌بایست به مقدار ضرورت و تسلیقه‌ای، گزینش نسبت به اطلاعات شبکه‌ها صورت بگیرد.

۲/۲ - به بهره‌برداری رساندن مدل تنظیم و پردازش داخلی اطلاعات و توسعه دادن آن در سطح کشورهای

اسلامی «سیاست میان مدت» پیشنهادی

طبیعتاً سیاست میان مدت پیشنهادی، به بهره‌برداری رساندن مدلی است که بتواند بصورت روشمند اطلاعات شبکه را ترجمه کند و کم‌کم منطق الهی را بر طبقه‌بندی آن اطلاعات حاکم گرداند. بدین معنا که متناسب با فرهنگ الهی، اطلاعات شبکه‌ها را دسته‌بندی، طبقه‌بندی و پردازش نماید. البته اعمال این سیاست در میان مدت در صورتی ممکن است که کار پژوهشی سنگینی بر روی این مسئله از هم اکنون آغاز گردد.

به موازات این سیاست، می‌بایست دامنه شبکه داخلی را در سطح کشورهای اسلامی گسترش دهیم که در این سطح با افشاگری‌هایی که نسبت به شبکه‌های اطلاعاتی از قبل صورت گرفته، یقیناً اقبال چشمگیری نسبت به این شبکه اسلامی اطلاعات صورت خواهد گرفت.

۲/۳ - مشارکت جدی در مدیریت تولید و توزیع اطلاعات در سطح بین‌المللی « سیاست بلند مدت » پیشنهادی

سیاست ما در بلند مدت مشارکت جدی در مدیریت طراحی شبکه در سطح بین‌المللی می‌باشد. ما نمی‌بایست در بلند مدت به کمتر از مشارکت در مدیریت شبکه و حضور فعال در آن راضی باشیم. با افشاگری‌های که از مراحل قبل آغاز شد و در سطح مجامع جهانی استمرار می‌یابد و با ایجاد شبکه‌های اسلامی اطلاعات، زمینه از بین رفتن مدیریت یک طرفه شبکه‌ها بوجود خواهد آمد و مالم‌مجبور هستند که در مدیریت این شبکه‌ها نظام اسلامی ما را پذیرا باشند و ما هم نباید برای حضور مستقیم و بین‌المللی در شبکه به کمتر از این مقدار قانع باشیم. به دیگر سخن تا هنگامی که منصب فرهنگی ما را در مدیریت شبکه به رسمیت نشناسند، دلیلی ندارد که ما تنها به عنوان یک مشتری تابع آنها باشیم و عضوی از مجموعه آنها قرار گیریم. طبیعتاً با جریان سیاست‌های میان مدت و بلند مدت، علاوه بر مدیریت توزیع اطلاعات، در تولید اطلاعات هم می‌توانیم مدیریت و حضور فعال پیدا کنیم و دیگر اینگونه نخواهد بود که به ترجمه‌روشمند اطلاعات موجود بسنده کنیم، بلکه علاوه بر این اطلاعات جدیدی متناسب با ارتقاء سطح فرهنگی جامعه و جهان، تولید و به شبکه‌ها ارائه می‌کنیم. خلاصه اینکه تهاجم سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی را باید جدی بگیریم و با پژوهش‌های عمیق و صرف هزینه‌های لازم در این رابطه به دفع تهاجم و تهاجم متقابل پردازیم. انشاءالله

والسلام علیکم ورحمةالله